

مشکله هويت در سازمان‌های مردم نهاد:

مطالعه کیفی فعالان مدنی

امید قادرزاده^۱، ایوب کریمی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۴

چکیده

یکی از مسائل جامعه ایران که با زیست چندفرهنگی و تنوع گروه‌بندی‌های اجتماعی مشخص می‌شود، چگونگی مناسبات هویت‌های اجتماعی متنوع با یکدیگر و گذار از هویت‌های تک‌واره به هویت‌های چندگانه است. تک‌واره‌شدن هویت‌های اجتماعی جامعه، با متصل‌نمودن مرزبندی‌های هویتی، پتانسیل منازعه اجتماعی و هویتی را تشدید و جامعه را چندپاره می‌کند. انجمن‌های مدنی به‌مثابه اجتماعات بینابینی، در جرح و تعدیل مرزبندی‌های هویتی و بسط و تعمیم جهت‌گیری‌های شناختی و کنشی کنشگران مدنی و تبدیل مای محلی به مای جمعی و عام، نقشی بسزا دارند. پژوهش حاضر در نظر دارد به‌میانجی تجربه زیسته فعالان مدنی در آن دسته از نهادهای مدنی که بازنمای مختصات فرهنگی و اجتماعی گردستان است، به واکاوی و شناسایی پیامدهای هویتی فعالیت مدنی در نزد نمونه‌ای از فعالان مدنی بپردازد که به لحاظ خاستگاه زمینه‌ای، به شهرهای مختلف گردستان تعلق دارند. این پژوهش، با رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای انجام شده است. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری هدفمند و حداکثر تنوع و برای گردآوری داده‌ها، از مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته استفاده شده است. در نمونه پژوهش، ۲۷ نفر از فعالان مدنی در ۲۰ نهاد مدنی مشارکت داشتند. براساس مطالعه حاضر، افتخار به هویت گردی، خود بازنمایشانه (درگیری اجتماعی بازنمایشانه)، هویت ایرانی: تبار ایرانی و کثرت‌گرا، و فرارفتن از مرز خودی و غیرخودی، شناسه و ابعاد هویتی کنشگران فعال در سازمان‌های مردم‌نهاد را شکل داده است. تجربه فعالیت مدنی برای شهروندان سنجی، مدارای بین‌قومی، ناخرسندی از فرادستی اقوام غیربومی، احساس تبعیض، بازنمایی هویت گردی و خودباوری در پی داشته است. مقوله هسته نیز بر هویت بازنمایشانه دلالت دارد که بر وجوه فردی، جمعی، متکثر، اقتضایی و تأملی هویت دلالت دارد.

واژگان کلیدی: احساس تبعیض، سازمان‌های مردم‌نهاد، مدارای بین‌قومی، هویت بازنمایشانه، هویت کردی

۱ دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه گردستان و پژوهشگر پاره وقت پژوهشکده گردستان‌شناسی (نویسنده مسئول):

پست الکترونیکی: oghaderzadeh@uokac.ir

۲ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه گردستان؛ پست الکترونیکی: ayoubkarimi1359@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

یکی از مسائل جامعه ایران که با زیست چندفرهنگی و تنوع گروه‌بندی‌های اجتماعی مشخص می‌شود، چگونگی مناسبات هویت‌های اجتماعی متنوع با یکدیگر و گذار از هویت‌های تک‌واره به هویت‌های چندگانه است. تک‌واره شدن هویت‌های اجتماعی، با متصل‌نمودن مرزبندی‌های هویتی، پتانسیل منازعه اجتماعی و هویتی را تشدید و جامعه را چندپاره می‌کند. در استان کردستان که بافت چندفرهنگی دارد، به دلیل مختصات اقلیمی و درگیر شدن در هشت سال جنگ ایران و عراق به عنوان منطقه مرزی و جنگی و فرار سرمایه‌های انسانی و اقتصادی به مقتضای شرایط جنگی و تداوم تبعات جنگ تا دو دهه بعد، فرایند توسعه در ابعاد چهارگانه‌اش، با دشواری‌ها و مخاطرات جدی روبرو بوده است. علی‌رغم تلاش‌های صورت‌پذیرفته، زمینه‌های ساختاری اختلال در مناسبات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی این منطقه با سایر مناطق ایران هنوز خودنمایی می‌کند و به تبع آن استان کردستان در تقسیم کار ملی، جایگاهی مشخص و تعریف‌شده پیدا نکرده است. چنین وضعیتی پیامدهایی برای تعلقات جمعی و سطوح مرزبندی‌های هویت جمعی در مناطق گردنشین در پی داشته است. رشد فاصله اجتماعی بین قومی (عبداللهی و قادرزاده، ۱۳۸۳: ۱)، تشدید حساسیت بین فرهنگی (قادرزاده و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۲۱)، سیاسی شدن نشانگرهای فرهنگی و هویتی در مناطق گردنشین و تبلور آن به مطالبات قومی با درون مایه ملی‌گرایانه (قادرزاده و محمدزاده، ۱۳۹۷: ۱۹) نشان از مسئله‌مند شدن هویت جمعی در مناطق گردنشین دارد.

بر مبنای ادبیات نظری، نهادهای مدنی و فعالیت مدنی، یکی از شاخص‌های اصلی توسعه اجتماعی به شمار می‌آید. توسعه اجتماعی، به معنای بسط، تعریض و تحکیم اجتماع جامعه‌ای است. نهادهای مدنی، به مثابه اجتماعات بینابینی، در جرح و تعدیل و بسط مرزبندی‌های هویتی، اخلاق و تعهد جمعی عام، احترام متقابل، پذیرش تفاوت‌ها، همدلی و اعتماد جمعی عام، وفاق اجتماعی، همبستگی و انسجام جمعی عام نقشی بسزا دارند (عبداللهی، ۱۳۸۴: ۱۶).

«فعالیت و مشارکت مدنی، فرایند سازمان‌یافته‌ای است که افراد از روی آگاهی و اطلاع، داوطلبانه، گروهی و با عنایت به علایق معین و مشخص که منجر به خودشکوفایی و نیل به اهداف و سهیم شدن در منابع قدرت می‌گردد فعالیت می‌کنند. عرصه چنین فعالیتی، نهادهای مشارکتی مانند گروه‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های خودیاری و محلی هستند که در حوزه‌های گوناگون نقش ایفا می‌کنند» (موسوی، ۱۳۹۱: ۷۱). در سایه روابط متقابل و عضویت‌های مشترک و ادخال گروه‌ها در یکدیگر و مشارکت و حضور فعالانه اجتماعات مختلف در عرصه عمومی جامعه مدنی، تکوین اصول و قواعد غیرشخصی مبتنی بر شهروندی فراگیر، زمینه برای بازاندیشی هویت میسر می‌شود و برادری قبیله‌ای جایش را به برادری با همه می‌سپارد (کیویستو، ۱۳۸۸: ۲۰).

هویت، ساخته‌ای سیال، انعطاف‌پذیر و پیچیده است که از طریق تعاملات انسانی به وجود می‌آید و به واسطهٔ زمینهٔ اجتماعی و منافع مشترک شکل می‌گیرد. هویت را تنها می‌توان همچون یک فرایند فهم کرد که هیچ‌گاه یک موضوع تمام و حل‌شده نیست، بلکه همیشه در حال شدن است. بستر اصلی این فرایند، شبکهٔ روابط و تعاملات فرد با دیگران است. در رویکردهای جدید، هویت، مفهومی سیال، ناخالص، ترکیبی، گذرا، درآمیخته، گشوده، مستعد بازتعریف و بدون اقامت دائم در خود معنا می‌شود. چنین معنایی از هویت به‌عنوان امری همواره در حال تغییر و بازتعریف، در واقع ریشهٔ مفهومی «هویت بازاندیشانه» یا «هویت بازتابی»^۱ است که زیربنای فکری بسیاری از اندیشمندان جدید، از جمله پیتر برگر و گیدنز است. به عقیدهٔ برگر، هویت مشخصاً اندیشیده است. این جنبهٔ اندیشیدهٔ هویت مدرن، تنها به جهان بیرونی محدود نمی‌شود، بلکه ذهنیت فرد و موقعیت وجودی او را نیز در برمی‌گیرد (برگر و همکاران، ۱۳۸۱: ۸۶).

به زعم گیدنز، بازاندیشی که با اشکال اولیه مدرنیته مرتبط است، در آن خرد، مبنایی برای ابهام-زدایی ناقص از پایه‌های پیشامدرن اقتدار، مشروعیت، دانش، سلسله‌مراتب و نظم اجتماعی است (هیفی^۲، ۱۳۹۶: ۱۱۰). در جامعهٔ مدرن با تعدد گروه‌بندی‌ها، اجتماعات و «ما»های مختلف و متکثر شدن زمینه‌های عمل و تنوع مراجع، منابع هویت‌ساز، ماهیتی چندگانه و متنوع به خود گرفته‌اند و افراد به‌طور فزاینده‌ای در پذیرش مجموعه‌ای متنوع و متفاوت از گروه‌بندی‌ها و وفاداری‌ها از حق انتخاب برخوردار گشته‌اند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۸۰).

یکی از منابع دردسترس و مجاری بازاندیشی، نهادهای مدنی‌اند که به میانجی آنها می‌توان هویت‌های اجتماعی و تغییرات صورت‌گرفته در آن را واکاوی کرد. نهادهای مدنی در استان کردستان قدمت زیادی ندارند. پس از انقلاب اسلامی و به‌دنبال آن، ناآرامی‌های سیاسی در استان و منطقه و همچنین جنگ هشت‌سالهٔ رژیم بعث علیه انقلاب نوپای ایران، فضا را برای رشد و ظهور نهادهای مدنی فراهم نمی‌ساخت. با پایان یافتن جنگ ایران و عراق و به‌ویژه پس از دوم خرداد ۱۳۷۶، زمینه برای فعالیت نهادهای مدنی در کردستان به تدریج مهیا گردید. امروزه به‌طور کلی، نهادهای مدنی در استان فعال‌اند. طبق آمارهای رسمی، پس از انقلاب اسلامی، ۳۳۵ تشکل مردم‌نهاد در استان کردستان پروانهٔ فعالیت داشته‌اند که از این تعداد ۱۵۷ نهاد مدنی در سندج در زمینه‌های خیریه، فرهنگی، علمی، زیست‌محیطی و غیره فعالیت می‌کنند (اخوان کاظمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱۷).

در مناطق کردنشین، به‌دلیل بافت فرهنگی و اجتماعی، هویت‌های اولیهٔ مبتنی بر قومیت و مذهب رشد و نمودی خاص دارد. علاوه‌براین، سیاست‌های رسمی با برساخت هویت ملی، هویت‌زدایی از هویت‌های اولیه را دنبال کرده، عرصهٔ عمومی را تحت سیطرهٔ خرده‌نظام سیاسی در مناطق کردنشین

1 Reflexive Identity

2 Heaphy

درآورده است و با عقب‌نشینی عامه مردم به عرصه‌های خصوصی و غیررسمی، نوعی بدبینی نسبت به عرصه رسمی تکوین و بیگانگی سیاسی و شکاف مردم از دولت در منطقه شدت یافته است و جداافتادگی از اجتماعات رسمی و نهادی را در پی داشته است. مسئله پیش‌روی پژوهش حاضر این است که با رشد چشمگیر اجتماعات مدنی که نشانگر سرمایه اجتماعی تعمیم‌یافته است، در جامعه‌ای که هویت‌های اولیه مبتنی بر قومیت و مذهب در زیست‌جهان و عرصه‌های عمومی ظهور و بروزی قابل‌ملاحظه دارد و با نوعی جهت‌گیری نسبت به هویت ملی همراه است، مشارکت در نهادهای مدنی چه دلالت‌ها و پیامدهای هویتی برای کنشگران فعال مدنی به دنبال داشته است؟

پیشینه تجربی

مروری بر مطالعات تجربی نشان می‌دهد که ادبیاتی مبسوط درخصوص هویت‌های جمعی و فردی و بازاندیشی هویتی در دو دهه اخیر در چارچوب روش‌شناسی کمی به انجام رسیده است (بوستانی، ۱۳۹۰؛ شالچی، ۱۳۸۴؛ رسول‌زاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۵؛ فرهمند و دیگران، ۱۳۹۶؛ افراسیابی و خرم‌پور، ۱۳۹۴؛ عدلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۲). پژوهش‌های مذکور مؤید آن‌اند که به فراخور نمونه‌های موردبررسی، هویت افراد ماهیت چندوجهی و متکثر پیدا کرده است و افراد به‌طور دائم با توجه به منابع در دسترس و اطلاعاتی که از دنیای اطراف می‌گیرند، خود را در معرض بازاندیشی قرار می‌دهند.

در ادبیات تجربی مذکور، مجموعه‌ای از عوامل در تطورات هویتی و بازاندیشی هویتی مورد توجه قرار گرفته‌اند که عبارت‌اند از: رسانه‌های ارتباط جمعی (بوستانی، ۱۳۹۰؛ شالچی، ۱۳۸۴)، اینترنت (ذکایی و خطیبی، ۱۳۸۵)، شبکه‌های اجتماعی مجازی (عدلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۲؛ فرهمند و همکاران، ۱۳۹۴)، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، تحصیلات، و درآمد (شالچی، ۱۳۸۴؛ افراسیابی و همکاران، ۱۳۹۴) و دین‌داری (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۴؛ افراسیابی و دیگران، ۱۳۹۴).

اگر بپذیریم که مشارکت در نهادهای مدنی و روابط انجمنی، بخشی از سرمایه اجتماعی (از نوع جدید) محسوب می‌شود، در پاره‌ای از پژوهش‌ها به رابطه سرمایه اجتماعی و هویت جمعی پرداخته شده است؛ هرچند در عملیاتی‌نمودن سرمایه اجتماعی، نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد مورد غفلت واقع شده‌اند (وحید و همکاران، ۱۳۸۳؛ گنجی و همکاران، ۱۳۸۹؛ قاسمی و جمال‌وندی، ۱۳۹۱؛ زارعی‌متین و دیگران، ۱۳۹۴؛ حسینی و جلایی‌پور، ۱۳۹۱؛ رستگارخالد و همکاران، ۱۳۹۵؛ میرفردی و ولی‌نژاد، ۱۳۹۷؛ شیانی و احمدپور، ۱۳۹۶).

درخصوص مشارکت در سازمان‌های مردم‌نهاد و دلالت‌های اجتماعی آن پژوهش‌های عدیده‌ای به انجام رسیده است که در ادامه به نتایج برخی از مطالعات داخلی و خارجی پرداخته شده است.

یکی از پژوهش‌هایی که به مشارکت در سازمان‌های غیردولتی معطوف است، پژوهش پیمایشی قانونی‌راد و حسینی (۱۳۸۴) با عنوان «ارزش‌ها، شبکه روابط و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی (مطالعه تجربی در بین جوانان تهران)» است. در این پژوهش، سازمان‌های غیردولتی به‌مثابه جنبش‌های جدید پنداشته شده‌اند و با توجه به الگوی فرانظری کلمن، ارزش‌های فرامادی و نیز سرمایه اجتماعی افراد بر مشارکت در این سازمان‌ها مؤثر فرض شده است. نتایج نشان می‌دهد که هرچه ارزش‌های فرامادی (جستجوی هویت و معنا، ارزش‌های خودشکوفایی و تحقق خود) در جوانان بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی و به تبع آن مشارکت در سازمان‌های غیردولتی بیشتر خواهد بود.

ایمانی جاجرمی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه اجتماعی روستایی» نشان داده‌اند که کانون فرهنگی بقیه‌الله روستای کوشک هزار، از توابع شهرستان سپیدان در شیراز، اثرات توسعه‌ای گوناگونی مانند حمایت از اقشار فقیر و آسیب‌پذیر، حضور و مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اجتماعی، تشویق جوانان به فعالیت‌های مشارکتی و همچنین گسترش فرهنگ مشارکت در بین روستاییان را در پی داشته است.

اسپنسر (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ به‌مثابه ساختار در سازمان‌های مدنی نوظهور در روسیه»، ضمن نقد مطالعات تجربی به‌دلیل توجه به عواملی همچون شرایط سیاسی و پیامدهای ناخواسته سرمایه‌گذاری و وام‌های غربی، و نادیده‌انگاشتن اثر فرهنگ بر سازمان‌های مدنی، به بررسی اتنوگرافیک سازمان‌های مدنی شهر نوسیربیسک روسیه با هدف نشان‌دادن اثر فرهنگ ملی و سازمانی بر سازمان‌های مدنی نوظهور پرداخته است. بر مبنای نتایج تحقیق، اکثر سازمان‌های مدنی در روسیه، متأثر از میراث فرهنگی نفوذ و قدرت توصیه و شخص‌گرایی، اجتماعات شوروی‌محور، و مرزهای درون‌گروهي است. بازتولید هنجارهای فرهنگی مذکور، سرمایه اجتماعی انحصاری و محدود را به دنبال داشته است، تا سرمایه اجتماعی اتصالی و ارتباطی که در قوام و دوام جامعه دموکراتیک سهیم است.

چن و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله‌ای کیفی با عنوان «شکل‌دهی هویت: تجارب بزرگسالان از فعالیت‌های داوطلبانه در اجتماع در شهر شانگهای»، به مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته با ۴۰ نفر از افراد بزرگ‌سالی پرداخته‌اند که در خلال فعالیت داوطلبانه، هویت‌هایی جدید را توسعه بخشیده‌اند. مشارکت‌کنندگان از طریق فعالیت‌های داوطلبانه، هویت حرفه‌ای و هویت حزبی خود را حفظ کرده، تداوم بخشیده‌اند. فعالیت داوطلبانه، هویت نقشی و هویت اجتماعی را تقویت نموده است تا با زندگی پس از بازنشستگی بهتر سازگار شوند.

نکته قابل‌توجه در مطالعات تجربی آن است که علی‌رغم روند روبه‌رشد سازمان‌های مردم‌نهاد، پژوهش‌های اندکی در خصوص سازمان‌های مردم‌نهاد به‌ویژه کارکردها و دلالت‌های اجتماعی و هویتی آنها به انجام رسیده است. به لحاظ روش‌شناسی، پژوهش‌ها عمدتاً ماهیت کمی دارند و سهم مطالعات کیفی

اندک است. به علاوه، درخصوص میدان مورد مطالعه با زمینه‌های قومی و فرهنگی آن - که در سالیان اخیر با رشد قابل توجه نهادهای مدنی نیز همراه بوده است - پژوهشی انجام نشده است.

ملاحظات مفهومی: هویت بازانديشانه

تحقیق حاضر با رویکردی تفسیرگرایانه به دنبال واکاوی تجربه و درک فعالان نهادهای مدنی از فعالیت در نهادهای مدنی و درک معنایی هویت بازانديشانه در شهر سنج به عنوان میدان مورد مطالعه است. «این رویکرد از نظر فلسفی ریشه در نظریه‌های متفکرانی چون کانت، دیلتای، هوسرل، هایدگر، گادامر و ریکور و از نظر جامعه‌شناسی مبتنی بر اندیشه‌ی کسانی مانند شوتز، وبر، مید، مانهایم، برگر و لاکمن یا به عبارت دیگر دیدگاه‌های خردنگر اجتماعی است» (محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۷۳). از لحاظ هستی‌شناسی، جامعه را امری پویا و در حال شکل‌داده شدن توسط کنشگران می‌بیند، انسان را کنشگری دارای توان تفسیر تلقی می‌کند که به جهان خود معنا می‌دهد و ضمن اینکه اسیر جبرهای شناخت آن است، به تغییرش نیز مبادرت می‌ورزد.

از لحاظ شناخت‌شناسی، مدعی است که شناخت‌ها نسبی و حاصل فعالیت انسان‌اند. شناختی مطلق و پایدار (آن‌گونه که علوم تجربی می‌پندارند کسب کرده‌اند) در میان نیست، فقط تفسیرها و تفهیم‌هایی از پدیده‌ها وجود دارد؛ بنابراین، دانش عامیانه مردم نیز مانند دانش عالمانه به اصطلاح نخبگان حائز اهمیت است. از لحاظ روش‌شناسی، بهترین شیوه‌های بررسی امور اجتماعی را «محدودسازی آن به زمان و مکان خاص» می‌داند (ایمان، ۱۳۸۸: ۵۴). همچنین به قصد بازتفسیر تفسیرهای کنشگران و دستیابی به آنچه شوتز «برساخته درجه دوم» می‌نامد، از روش‌های کیفی بهره می‌جوید.

از منظر پارادایم تفسیرگرا، ابعاد ارزش و معانی عمل مشارکتی در نزد کنشگران اجتماعی اهمیت بنیادین دارد؛ به عبارت دیگر، آمادگی‌های روانی اجتماعی که توسط نظام معانی و ابعاد ارزشی و بهنجاری حاکم بر ذهن کنشگران تعریف می‌شود و ذهنیت کنشگران را برای ورود به عمل مشارکتی تعیین می‌کند، اهمیتی ویژه دارند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۷۳).

بر مبنای رویکرد سازه‌گرایی اجتماعی، هویت‌های جمعی، ی دستاوردی تعاملی قلمداد می‌گردند که به طور پیوسته از طریق تبادل زبانی و عمل اجتماعی مورد مذاکره قرار می‌گیرند. در چارچوب این رویکرد، شیوه‌هایی مورد توجه قرار می‌گیرند که براساس آنها عاملان و حاملان جامعه‌پذیری، داده‌ها و دانسته‌های شناختی، عاطفی و رفتاری افراد را ترسیم می‌کنند و سازمان می‌بخشند؛ دانسته‌ها و داده‌هایی که افراد برای شکل‌دهی به یک «خود اجتماعی» به کار می‌گیرند. ذیل رویکرد سازه‌گرایی اجتماعی، صاحب‌نظران متعددی نظیر هربرت مید، بلومر، پیتربرگر، لاکمن، هووارد بیکر و غیره قرار می‌گیرند که هویت جمعی را با لحاظ نمودن ویژگی‌های ذهنی - شخصیتی تبیین نموده‌اند (بورکیت، ۱۹۹۱: ۱۹۰؛ کلهون، ۱۹۹۶: ۳-۶).

ریشه عمده بحث‌های مربوط به «هویت» در جامعه‌شناسی را می‌توان به نظریاتی نسبت داد که در دانشگاه شیکاگو و به‌ویژه در چارچوب دیدگاه تعامل‌گرایی نمادین درباره مفهوم «خود» و ابعاد آن مطرح شده است. دیدگاه تعامل‌گرایی نمادین، بر نقش عاملان کنش در فرایندهای اجتماعی تأکید فراوان دارد. این رویکرد برای فهم و تفسیر پدیده‌های اجتماعی، شناسایی ویژگی‌های کنشگران را مهم ارزیابی می‌کند و برای تبیین مشارکت اجتماعی به زمینه‌های شناختی، نظام معانی، گرایش و تمایلات افراد توجه می‌کند و سطح مشاهده و تحلیل را کنشگر قرار می‌دهد. در قالب رویکرد کنش متقابل، مشارکت مدنی به‌عنوان کنش اجتماعی مانند هر کنش اجتماعی دیگر واجد شرایطی از این‌قرار است: نخست، کنشگر در وضعیتی قرار دارد که شامل حضور دیگر کنشگران است و کنش با توجه به حضور آنها انجام می‌گیرد. دوم، کنشگر در وضعیتی است که دیگر کنشگران با وسایل، امکانات و ویژگی‌هایی که در اختیار دارند به‌نوعی قادرند رفتار کنشگر را تحت نفوذ قرار دهند. سوم، کنشگر با دیگر کنشگران در مجموعه‌هایی معین از توقعات، ارزش‌های مشخص، اعتقادات و نمادها مشترک است (کوهن، ۱۳۸۱: ۱۳۹).

هنری تاجفل^۱ نظریه هويت اجتماعی خود را در دهه ۱۹۷۰ مطرح نمود که بعدها با ارائه نظریه «دسته بندی خود»^۲ توسط جان‌اتان ترنر^۳ تکمیل شد. بر مبنای نظریه هويت اجتماعی، فرایندهای شناسایی و هويت‌یابی، بر دو پایه شناختی و عاطفی استوار است. بر مبنای مؤلفه شناختی، انسان‌ها تمایل دارند بر حسب مشابهاه عینی و ادراکی در نیت و کنش‌ها، محیط پیرامون را به گروه‌هایی تقسیم‌بندی کنند. مؤلفه عاطفی و احساسی، بر ضرورت دستیابی به یک ارزیابی مثبت از خود دلالت دارد که با تعلق به یک رده و دسته اجتماعی در ارتباط است (تاجفل و ترنر، ۱۹۸۶: ۱۱-۸).

از نظر تاجفل و ترنر، رده‌ها و گروه‌های اجتماعی، سبب تعیین هويت و شناسایی در جامعه می‌شوند و این شناسایی‌ها تا حد زیادی خصلتی مقایسه‌ای و رابطه‌ای دارد. بر این مبنای، هويت اجتماعی، تعریف شخص از خود است بر اساس عضویت‌های گروهی که با ملاحظاتی ارزشی و احساسی مقارن است (ترنر و تاجفل، ۱۹۸۶: ۴۲).

سازمان‌گرایان به بازاندیشی توجهی خاصی دارند. برگر، چهار خصلت هويت مدرن را بدین گونه برمی‌شمارد: خصلت نخست، بازبودگی است: بی‌تردید ویژگی‌هایی در فرد وجود دارد که بر اثر فرایند اجتماعی شدن اولیه، کم‌وبیش برای همیشه تثبیت می‌شوند اما فرد مدرن حتی با ورود به مرحله زندگی بزرگ‌سالی همچنان مشخصاً فردی ناتمام به نظر می‌رسد که افزون بر وجود استعداد عینی وسیع برای تغییرات هويتي بعدی در زندگی فردی، آگاهی ذهنی و حتی آمادگی برای پذیرش چنین تغییراتی نیز وجود دارد. خصلت دوم تفکیک‌شدگی است: چندگانگی جهان‌های اجتماعی در جامعه مدرن موجب می‌شود تا

1 Tajfel

2 Self Categorization

3 Turner

ساختار هر جهان خاص به شکلی نسبتاً ناپایدار و نامطمئن تجربه شود. فرد مدرن، با توجه به تجربه خود از کثرت جهان‌های اجتماعی، به نسبی‌سازی هریک از آنها می‌پردازد. در نتیجه، نظم نهادی تاحدی واقعیت خود را از دست می‌دهد و تأکید واقعیت، از نظم عینی نهادها، به قلمرو ذهنیت فرد جابه‌جا می‌شود (برگر و دیگران، ۱۳۸۱: ۸۶). خصلت سوم، بازاندیشانه بودن هویت مدرن است؛ برگر در توضیح این ویژگی اعتقاد دارد کسی که در جهان اجتماعی منسجم و دست‌نخورده زندگی می‌کند، این کار (اندیشیدن در باب هویت خود) برایش با حداقل تأمل میسر است. در چنین حالتی، پیش‌انگاشته‌های اساسی جهان اجتماعی بدیهی تصویر می‌شوند و به‌رحال امکان دارد که به همین‌گونه در زندگی‌نامه افراد، متعارف باقی بمانند. آخرین ویژگی هویت مدرن از نظر برگر، فردیت‌یافتگی است؛ در جوامع مدرن، فردی که حامل هویت به‌صورت موجودیت حقیقی خویش است، به‌طوری کاملاً منطقی جایگاه بسیار مهم خویش را در سلسله‌مراتب ارزش‌ها احراز می‌کند. از نظر برگر، زندگی در جوامع امروزی، فرد را با چشم‌اندازی پیوسته در حال تغییر از تجارب و معانی اجتماعی رودررو قرار می‌دهد و او را به تصمیم‌گیری‌ها و طرح برنامه‌های متنوع و اندیشیدن وامی‌دارد؛ بدین ترتیب، آگاهی مدرن به‌خصوص آگاهی‌های هوشیار و پرتنش است. گفتنی است که جنبه اندیشنده (بازاندیشانه) هویت مدرن، فقط به جهان بیرونی محدود نمی‌شود، بلکه ذهنیت فرد به‌ویژه موقعیت وجودی‌اش را نیز دربرمی‌گیرد (همان: ۸۷).

به باور گیدنز، در جامعه مدرن با تعدد گروه‌بندی‌ها، اجتماعات و «ما»های مختلف و متکثر شدن زمینه‌های عمل و تنوع مراجع، منابع هویت‌ساز ماهیتی چندگانه و متنوع به خود گرفته و افراد به‌طور فزاینده‌ای در پذیرش مجموعه‌ای متنوع و متفاوت از گروه‌بندی‌ها و وفاداری‌ها، از حق انتخاب برخوردار گشته‌اند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۸۰). گیدنز، مشخصه کلیدی جوامع جدید را بازاندیشی می‌داند. در جوامع مدرن، اعمال اجتماعی پیوسته در پرتو اطلاعات و منابع جدید بازبینی می‌شوند (سیدمن، ۱۳۹۱: ۱۹۳).

گیدنز بر این باور است که در جامعه مدرن، انسان‌ها با آفرینش و اصلاح هویت خود، چه‌بودن و چگونه‌این‌شدن خود را پیوسته بازنگری می‌کنند. همه صورت‌های زندگی، کم‌وبیش، با دانشی ساخته می‌شوند که کنشگران از این صورت‌ها دارند و از دید گیدنز، بازاندیشی مدرنیته با تولید پیوسته خودشناسی پی‌درپی ارتباطی مستقیم دارد (گیدنز، ۱۳۸۷).

از نظر گیدنز، ویژگی مدرنیته نه اشتها برای چیزهای نو، بلکه فرض بازاندیشی درباره همه‌چیز است که البته خود بازاندیشی را نیز دربرمی‌گیرد. این بازاندیشی تحت تأثیر چهار عامل قرار می‌گیرد: نخست، قدرت است؛ قدرت، دانش را در خدمت منافع گروهی قرار می‌دهد. دوم، به نقش ارزش‌ها بازمی‌گردد؛ ارزش‌ها مبنای عقلانی ندارند و هر تغییری مبتنی بر بازاندیشی، تحت تأثیر ارزش‌ها قرار می‌گیرد. سوم، پیامدهای ناخواسته است؛ بازاندیشی جهان مدرن، امکان مسدود شدن پیامدهای ناخواسته را از بین برده است و هر

زمان احتمال وقوع آنها وجود دارد. چهارم، گردش دانش اجتماعی است؛ دانشی که به‌گونه‌ای بازاندیشانه در شرایط بازتولید نظام به کار بسته می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۰: ۴۵-۴۴).

گیدنز معتقد است که در جوامع معاصر تکثرگرا، متنوع و درحال‌تغییر، جایی که همه‌چیز مورد مذاقه قرار می‌گیرد، خود، به پروژه‌ای، که در سطح فرد، بازاندیشانه و تغییردهنده می‌شود، بدل می‌شود. وی بازاندیشی را ویژگی معرف هرگونه کنش انسانی می‌داند و معتقد است که همه انسان‌ها با زمینه کنش خود در تماس‌اند. کنش انسانی نه مجموعه‌ای از تعامل‌ها، بلکه جریان مداومی است (همان: ۴۵).

آمارتیا سن در کتاب *هویت و خشونت* با آوردن شواهد و نمونه‌هایی از رویدادهای خشونت‌بار قومی و مذهبی در شبه‌قاره هند، تکواری شدن هویت‌های جمعی را مروج دیگرستیزی عنوان می‌کند. وی بر این باور است که تک‌بعدی فرض کردن انسان به معنای یکسان‌اندیشی درخصوص هویت انسان‌ها صرفاً برپایه مذهب و قومیت، غالباً می‌تواند به‌طور ناخواسته یا سهوی به سیاست‌های تفرقه‌افکنی و تمایزگرایی بینجامد (سن، ۱۳۹۵: ۲۲).

شناسایی چندگانگی هویت‌ها و فرض چندبعدانگاری کنشگر می‌تواند در عدم‌جذب تفکرات جزمی و یکسره انگاری متمر ثمر باشد. فرض فرد به‌عنوان اعضای گروه‌های متنوع از شهروندی گرفته تا جنسیت تا طبقه و سیاست و نوع اشتغال و علایق اجتماعی و ورزشی هر یک می‌تواند شامل بعدی از یک پیکره انسانی باشد که عدم‌دستیابی یا فرض بدکنشی و بدکرداری در یک بعد، به معنای سلب دیگر ابعاد انسانی و حقوق شهروندی- اجتماعی نباشد. «هریک از این اشتراکات جمعی که این فرد هم‌زمان به همه آنها تعلق دارد، به او هویتی ویژه می‌بخشد. هیچ‌یک از این هویت‌ها را نمی‌توان به‌عنوان تنها هویت یا عضویت تکواری او در رده و قشری خاص انگاشت» (همان: ۳۴). آمارتیا سن از بین‌بردن این نوع توهم یعنی هویت تکواری را نقطه آغازین جراحی کاشتن «من واقعی»- در مقابل من توهمی- به‌وسیله دیگرانی می‌داند که مصمم‌اند ما را از آنچه خودمان می‌پنداریم متفاوت سازند. کندن موجود یک‌بعدی و جایگزین کردن بشر به‌عنوان چندوجهی و ترغیب درصدد مشارکت‌های جمعی، از راه‌حل‌های دستیابی به این سرمنزل است (همان: ۳۸).

روش تحقیق

تحقیق حاضر به‌دنبال فهم و واکاوی شناسه‌ها و ابعاد هویتی فعالان مدنی و صورت‌بندی هویتی به‌میانجی مشارکت در سازمان‌های مردم‌نهاد بوده است. با وجود تکثر نهادهای مدنی در میدان مردم‌مطالعه، پژوهشی در این خصوص صورت نگرفته است. نظر به ماهیت اکتشافی مطالعه حاضر، روش‌شناسی کیفی و روش نظریه زمینه‌ای^۱ ضرورت پیدا می‌کند. نظریه زمینه‌ای، به‌جای پیش‌فرض‌های نظری، به داده‌ها و میدان

اولویت می‌دهد و بر پژوهش استقرایی متکی است. این بدان معنا نیست که پژوهشگران، اندیشه‌ها یا انتظارات پیشین نداشته باشند. درواقع، آنچه قبلاً آموخته شده است، کاوش جدید را برای رسیدن به کلیت‌ها شکل می‌دهد. بر همین منوال، گشودگی رهیافت نظریه‌زمینه‌ای، امکان بیشتری برای کشف پدیده‌های غیرمنتظره فراهم می‌سازد (فلیک، ۱۳۸۸: ۱۰۸).

پژوهش حاضر در نظر دارد تا به میانجی تجربه‌زیسته‌فعالان مدنی در آن دسته از نهادهای مدنی که بازنمای مختصات فرهنگی و اجتماعی کردستان است، به واکاوی و شناسایی پیامدهای هویتی فعالیت مدنی در نزد نمونه‌ای از فعالان مدنی بپردازد که به لحاظ خاستگاه زمینه‌ای به شهرهای مختلف کردستان تعلق دارند. در پژوهش حاضر، نمونه مورد مطالعه، به نهادهای مدنی شهر سنندج محدود شده است. به دلیل تراکم جمعیتی (پرجمعیت‌ترین شهر استان کردستان و سکونت شهروندانی از سایر مناطق کردنشین)، تراکم فرهنگی (حضور نشانگان فرهنگی هویت‌گردی) و تراکم سازمانی (سابقه مسئله‌دارشدن شناسه‌های هویتی)، شهر سنندج به‌عنوان نمونه و میدان مطالعه انتخاب شده است؛ براین اساس، میدان پژوهش حاضر، شامل آن دسته از نهادهای مدنی فعال در سطح شهر سنندج است که در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، زیست‌محیطی و غیره فعالیت می‌کنند. پس از انقلاب مجموعاً ۳۳۵ تشکل مردم‌نهاد در استان کردستان مجوز دریافت کرده‌اند که سنندج با اخذ ۱۵۷ مجوز در بین شهرهای استان کردستان رتبه اول را داراست. دوره سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵، با صدور ۱۸۸ مجوز، فعال‌ترین دوره به شمار می‌آید (اخوان کاظمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱۷). حوزه‌های فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد متنوع است؛ برای مثال، در حوزه‌های زنان (۱۱ انجمن)، خیریه و حمایتی (۲۲ انجمن)، محیط‌زیست (۲۱ انجمن)، هنری (۶ انجمن)، اجتماعی (۱۰ انجمن)، بیماری‌ها (۸ انجمن)، اعتیاد (۱۲ انجمن)، فرهنگی (۱۳ انجمن)، ورزشی (۷ انجمن)، اشتغال (۵ انجمن)، حقوقی (۴ انجمن)، علمی (۱۲ انجمن)، سلامت روان (۶ انجمن)، قرآنی (۲ انجمن)، کشاورزی (۸ انجمن)، گردشگری (۳ انجمن) و عمران (۴ انجمن) فعالیت دارند.

مشارکت‌کنندگان در پژوهش، مردان ۲۸ تا ۴۸ ساله‌ای بوده‌اند که در شهر سنندج در نهادهای مدنی فعالیت داشتند. مصاحبه‌شوندگان از میان مطلعان کلیدی در نهادهای مدنی انتخاب شده‌اند. البته سابقه‌ای حداقل ۶ سال فعالیت مدنی، از الزامات انتخاب مشارکت‌کنندگان بوده است. برای گزینش مصاحبه‌شوندگان، از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده در این میان از نمونه‌گیری با حداکثر تنوع نیز جهت انتخاب اعضای فعال نهادهای مختلف مدنی با حوزه فعالیت (اعم از خیریه، زیست‌محیطی، فرهنگی، علمی و غیره) بهره گرفته شده است. برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های موردنیاز و یافتن مسیر پژوهش نیز از شیوه نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. تعداد نمونه در این پژوهش، بسته به حد کفایت رسیدن برای نتیجه‌گیری نظری است که در فرایند تحقیق حاصل می‌شود؛ بنابراین، در این پژوهش، با هدف گردآوری اطلاعات از مطلعان، تعداد ۲۷ مصاحبه با فعالان مدنی انجام شده است.

اصلی‌ترین ابزار گردآوری اطلاعات پژوهش پیش‌رو، مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته بوده است. از آنجایی که پژوهش کیفی در محیط طبیعی انجام می‌شود، مصاحبه‌ها معمولاً در دفتر نهادهای مدنی انجام گرفته‌اند. مدت مصاحبه‌ها به لحاظ زمانی متفاوت و از ۵۰ دقیقه تا ۸۰ دقیقه متغیر بوده است. مصاحبه‌های ضبط‌شده، از زبان کُردی به فارسی ترجمه شده‌اند و پس از تبدیل به متن، کدگذاری انجام شده است. در چارچوب نظریه زمینه‌ای، در تجزیه و تحلیل، از سه نوع کدگذاری باز، محوری و انتخابی بهره گرفته شده است.

در پژوهش حاضر، برای تضمین قابلیت اعتبار، به نقل قول‌های افراد مورد مطالعه مراجعه شده است؛ یعنی استناد و بازگشت مکرر به داده‌های خام تحقیق در هنگام بیان گزارش تحقیق و بیان مقولات انتزاعی دریافت‌شده از آنها (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۴۸). از روش‌های دیگر، استفاده از تکنیک ممیزی^۱ جهت به‌دست‌آوردن توافق افراد متخصص در این زمینه بوده است (همان: ۱۵۰) و بر این اساس، استاد راهنما و افرادی که سابقه پژوهش در چارچوب نظریه زمینه‌ای داشتند، بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت کرده‌اند.

مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

با توجه به اینکه روش مورد استفاده در پژوهش حاضر نظریه زمینه‌ای است، سعی بر آن بوده است که مصاحبه‌شوندگان، از میان فعالان مدنی کلیدی انتخاب شوند؛ به بیان دیگر، کوشیده‌ایم شرط حداکثر تفاوت و تنوع در میان کنشگران فعال مدنی شهر سنندج را رعایت کنیم. به همین منظور با فعالان مدنی دارای تحصیلات بالا و پایین، جوان و میان‌سال و غیره مصاحبه انجام شده است.

به لحاظ سنی، سن مصاحبه‌شوندگان، ۲۸ تا ۴۷ سال را شامل می‌شود. سابقه فعالیت در نهادهای مدنی مصاحبه‌شوندگان، از ۶ سال تا ۱۵ و سطح تحصیلاتشان از دیپلم تا کارشناسی ارشد متغیر بوده است.

جدول شماره ۱. مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

کد	سن	تحصیلات	سنوات فعالیت	نهاد مدنی
۱	۲۸	لیسانس	۱۲	بارمان سته دژ
۲	۳۳	لیسانس	۱۰	هه وراز
۳	۳۵	فوق دیپلم	۸	یارمتی ته وین سته
۴	۳۰	لیسانس	۹	افقی
۵	۴۳	دیپلم	۱۵	راه آفتاب
۶	۳۳	لیسانس	۱۰	آوای کهن
۷	۲۵	لیسانس	۶	شنه نوژین

ادامه جدول شماره ۱. مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

کد	سن	تحصیلات	سنوات فعالیت	نهاد مدنی
۸	۴۲	دیپلم	۱۵	ژیورسنة
۹	۲۹	لیسانس	۱۲	واده هیژان
۱۰	۲۹	لیسانس	۸	ئاویه ر سنة دژ
۱۱	۴۵	لیسانس	۱۴	روجیار کردستان
۱۲	۴۷	دیپلم	۱۵	کوه‌نوردان کردستان
۱۳	۴۰	لیسانس	۱۵	ماف
۱۴	۲۸	لیسانس	۱۲	انجمن معلولان
۱۵	۳۵	فوق لیسانس	۱۰	یارمتی نه وین
۱۶	۳۳	لیسانس	۱۵	شنة نوژین
۱۷	۲۹	لیسانس	۸	افق شرق
۱۸	۳۰	لیسانس	۷	احسان تور
۱۹	۴۶	دیپلم	۱۰	روجیار
۲۰	۳۳	لیسانس	۱۰	روجیار
۲۱	۳۲	لیسانس	۱۰	نوی باران
۲۲	۳۴	فوق لیسانس	۹	ازدواج و خانواده
۲۳	۳۱	فوق دیپلم	۶	افق
۲۴	۳۷	لیسانس	۱۰	افق شرق
۲۵	۳۵	لیسانس	۱۱	راشاد ژیان
۲۶	۳۵	دیپلم	۱۲	امید ورزش قشلاق
۲۷	۳۲	فوق لیسانس	۸	آوای قدسیان

۵. تحلیل و تفسیر یافته‌های میدانی

۵-۱. شناسه‌ها و ابعاد هویتی کنشگران فعال در سازمان‌های مردم‌نهاد

در بخش حاضر به دنبال فهم شناسه‌ها و ابعاد هویتی کنشگران فعال در سازمان‌های مردم‌نهادیم؛ اینکه فعالیت مدنی در شناسه‌های هویتی و بازتعریف و بازاندیشی هویتی کنشگران چه اثراتی بر جای گذاشته است؟ اطلاعات و داده‌های به‌دست‌آمده طی فرایند کدگذاری بیرون کشیده شد. از متون به‌دست‌آمده بالغ بر ۳۸ مفهوم حاصل شد که نهایتاً مفاهیمی که با یکدیگر ارتباط داشتند، با همدیگر ترکیب شدند و ۴ مقوله به شرح زیر استخراج شد:

جدول شماره ۲. کدگذاری باز و محوری

تعداد	مقوله‌ها	مفاهیم
۲۲	افتخار به هويت كُردی	افتخار به قومیت خود در کنار احترام به سایر قومیت‌ها، احترام به سایر اقلیت‌ها، کمک و شناسایی سایر اقوام، انسانیت و انسان‌گرایی، اولویت انسانیت سپس کردبودن، اصالت‌گرایی و افتخار به هويت كُردی و اصالت خود، ملت‌داری تاریخ و هويت و برند و اصالت و مشهور به شجاعت، افتخار به کردبودن
۱۷	خود بازانديشانه (درگیری اجتماعی بازانديشانه)	تعهد به هموعان، مسئولیت اجتماعی، تعهد نسبت به گذشتگان و آیندگان، احیای آداب‌ورسوم كُردی قدیمی، فرهنگ قومی، تعهد نسبت به کودکان و نسل‌های آینده
۲۲	هويت ایرانی: تبار ایرانی و کثرت‌گرا	افتخار به ملیت و ایرانی‌بودن، ایرانی‌بودن کردها، افتخار به تمدن ایرانی، باور به برابری با فارس، زوال شأن و جایگاه ایرانی، شهروند عادی، احساس تبعیض، تغییر نگاه به ایرانی‌بودن، احساس مورد ظلم واقع‌شدن، ضرورت اقدامات دولت
۲۴	فرارفتن از مرزبندی خودی و غیر خودی	توجه به پتانسیل منطقه‌ای، عدم اعتقاد به خودی و غیر خودی، مطرح‌نبودن خودی و غیر خودی در حوزه فعالیت سمن، ضرورت باهم‌بودن، تغییر نگاه خودی و غیر خودی در مقایسه با گذشته، عدم اعتقاد به قیدوبندهای زبانی و مذهبی، عدم قوم‌گرایی، احترام به عقیده دیگران، عدم اعتقاد به مرز جغرافیایی یا مذهبی

۵-۱-۱. افتخار به هويت كُردی

برای مصاحبه‌شوندگان، «کُردبودن» یکی از منابع معنا ساز و هويت‌بخش به شمار می‌آید. افتخار به هويت كُردی، به‌میانجی شناسه‌های فرهنگی، پیشینه تاریخی و زبان است. نزد فعالان مدنی، احساس تعلق به هويت كُردی موجب محدودشدن دایره تعهد و وفاداری جمعی نشده است. فعالان مدنی در ارائه خدمات و کمک به نیازمندان، شناسه‌های هويتي خود و دیگری را مبنا قرار نمی‌دهند. برای مصاحبه‌شوندگان هويت كُردی، هويتي انحصاری و انسدادگرا و بسته نیست، بلکه رو به دیگران دارد:

«افتخار به كُردبودن دليل نمی‌شود که به فارس و ترک کمک نکنیم و آنها را نادیده بگیریم» (کد ۱۲، ۴۷ساله، با ۱۵ سال سابقه فعالیت مدنی).

«در چندین جشنواره که شرکت کرده‌ایم اظهار کرده‌اند که کردها ریشه و اصالت و فرهنگ دارند و از این طریق سمن ما در شناساندن فرهنگ و اصالت كُردی ما تأثیر داشته» (کد ۱۷، ۲۹ساله با ۸ سال سابقه فعالیت مدنی).

«قطعاً جای افتخار است. در کنار احترام به تمامی اقوام ایران. سعی‌ام بر این است در تمام ایران نماینده خوب كُرد و کردستان باشم» (کد ۱۹، ۴۶ساله با ۱۰ سال سابقه فعالیت مدنی).

«هیچ تفاوتی قائل نیستیم ما هم‌نوع هستیم. نباید غیره بازی در بیاوریم. در سمن‌ها قومیت و مذهب... سمن در جهت حل مشکلات مردم می‌باشد» (کد ۱۵، ۳۵ساله با ۱۰ سال سابقه فعالیت مدنی).

۵-۱-۲. درگیری اجتماعی

در پژوهش حاضر یکی از سؤالات موردتوجه برای فهم شناسه‌ها و ابعاد هویتی کنشگران مدنی این بود که «شما به‌عنوان فعال مدنی در برابر چه کسانی خود را متعهد و مسئول احساس می‌کنید؟». اظهارات مصاحبه‌شوندگان گویای درگیری اجتماعی و مداخله اجتماعی کنشگران مدنی است. کنشگران مدنی به‌جای انفعال اجتماعی و نظاره‌گری اجتماعی، در جامعه و اجتماع خود مشارکتی فعالانه دارند اما این مشارکت به انقطاع و گسست آنها از گذشته منجر نشده است؛ بنابراین، فعالیت مدنی برای کنشگران، کنشی بازاندیشانه است که به‌میانجی منابع دردسترس نهادی سازمانی و اجتماعی به‌دنبال اتصال حال به گذشته و آینده است.

«در برابر کودکان، در برابر کودکانی که هنوز به دنیا نیامده‌اند. با همان ذهنیت هنوز جرئت نکرده‌ام تصمیم بگیرم بچه‌دار شویم» (کد ۱۶، ۳۳ساله با ۱۵ سال سابقه فعالیت).

«در برابر کل جامعه. سه قشر جامعه معتادان، کودکان (قبل از همه مهم‌تر کودکان هستند، و خانم‌های ضعیف و کم‌توان» (کد ۸، ۴۲ساله با ۱۵ سال سابقه فعالیت مدنی).

«در برابر اجتماع خودم، در چارچوب انسانیت متعهد به ممنوعان خودم هستیم» (کد ۱۲، ۴۷ساله با ۱۵ سال سابقه فعالیت مدنی).

۵-۱-۳. هویت ایرانی: تبار ایرانی و کثرت‌گرا

یکی از سؤالات موردبررسی، «میزان افتخار فعالان مدنی به ایرانی بودن» بود. از منظر فعالان مدنی، گرد بودن با ایرانی بودن تداعی می‌شود. هر جا گرد باشد آنجا ایران است و بر تبار ایرانی بودن کردها اذعان داشته‌اند.

«جای افتخار دارد، کردها هر جا باشند ایرانی هستند و به تأکید کردها ایرانی هستند» (کد ۱۹، ۴۶ساله با ۱۰ سال سابقه فعالیت مدنی).

ایران مدنظر مصاحبه‌شوندگان، ایرانی متکثر است که با بودن همه اقوام در کنار هم معنا می‌یابد: «خیلی به ایرانی بودن خودم افتخار می‌کنم. در نهایت ایرانی هستیم. همه قومیت‌ها در کنار هم معنا دارند» (کد ۱۸، ۳۰ساله با ۷ سال سابقه فعالیت مدنی).

از منظر مصاحبه‌شوندگان، آن ابعاد و شناسه‌هایی از هویت ایرانی که قابل‌افتخار است، شکوه و تمدن ایرانی، مردمانی خوب و مهمان‌نواز، پیشینه تاریخی و جاهای دیدنی، تنوع قومی و فرهنگ چند هزارساله است:

«خیلی، ایران سال‌های سال صاحب تمدن است و هرکسی به آن افتخار می‌کند» (کد ۱۲، ۴۷ساله با ۱۵ سال سابقه فعالیت مدنی).

«صددرصد افتخار می‌کنم، مردم ایران در تمام دنیا خوب هستند. کل مردم ایران از آغوش باز از ما پذیرایی می‌کنند» (کد ۱۰، ۲۹ساله با ۸ سال سابقه فعالیت مدنی).

«افتخار می‌کنم. جاهای دیدنی خوب و مردم خوب داریم» (کد ۲۳، ۳۱ ساله با ۶ سال سابقه فعالیت).

«چراکه نه- صددرصد به پیشینه تاریخی ایرانی/م افتخار می‌کنم» (کد ۳، ۳۵ ساله با ۸ سال سابقه فعالیت مدنی).

با این وصف، مصاحبه‌شوندگان، از تبعیض اجتماعی و نابرخورداری از حقوق سایر ایرانی‌ها رنج می‌برند و همین مسئله نوع نگاهشان را به هویت ایرانی تحت‌الشعاع قرار داده است:

«افتخار می‌کنم خودم را با یک فرد فارس قوم‌و‌خویش می‌دانم. شأن و جایگاه ایرانی مثل گذشته نیست اما به ایرانی بودن خودم افتخار می‌کنم» (کد ۲، ۳۳ ساله با ۱۰ سال سابقه فعالیت مدنی).
«در خاک کشور ایران زندگی می‌کنم. به فرهنگ چند هزارساله پشت این کشور افتخار می‌کنم ولی با توجه به حال و وضع اقتصادی فعلی ناراحت هستم» (کد ۲۱، ۳۲ ساله با ۱۰ سال سابقه فعالیت مدنی).

۵-۱-۴. فرارفتن از مرزبندی‌های خودی و غیرخودی

اظهارات مصاحبه‌شوندگان گویای این واقعیت بود که فعالیت در نهادهای مدنی به دلیل غلبه نگاه انسان‌محور در ارائه خدمات به ذی‌نفعان و اقشار آسیب‌پذیر اجتماعی، مقوله خودی و غیرخودی چندان موضوعیتی ندارد:

«روزبه‌روز سمن‌ها پخته می‌شوند. نژاد و زبان و ملیت مدنظر نیست. چارچوب کار، انسان نیازمند است و اگر کاری بتوانیم انجام بدهیم کوتاهی نمی‌کنیم. احترام برای ملیت خود قائل هستیم چون اینجا به دنیا آمده‌ام اما در کل هر انسانی در هر جا باشد به او کمک می‌کنم» (کد ۱۱، ۴۵ ساله با ۱۴ سال سابقه فعالیت مدنی).

«به‌خاطر داوطلبانه بودن آن، جی‌او باید فرصت به همه بدهیم تا عضو شوند، و نباید هیچ محدودیتی داشته باشند» (کد ۱۱، ۴۵ ساله با ۱۴ سال سابقه فعالیت مدنی).

اظهارات مذکور گویای آن است که انجمن‌های مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد، از ظرفیتی قابل توجه برای تعدیل حساسیت‌های بین‌فرهنگی، ذوب افق‌ها و هم‌گرایی بین‌فرهنگی و افزایش ارتباطات بین‌فرهنگی و بسط و تحکیم سرمایه اجتماعی تعمیم‌یافته برخوردارند:

«اولاً باید به همه کمک کنیم، شاید بهترین دوست‌های من غیر کرد هستند. همچنین حسی نباید باشد» (کد ۷، ۳۵ ساله با ۶ سال سابقه فعالیت مدنی).

«اصلاً چیزی به نام مرز جغرافیایی یا مذهبی اعتقاد ندارم درست نیست بین خودی و غیرخودی قائل شویم. انسانیت مهم است» (کد ۲۰، ۳۳ ساله با ۱۰ سال سابقه فعالیت مدنی).

«ما الان در نایسر خانواده را تحت پوشش قرار داده‌ایم فارس هستند و هیچ تفاوتی با خانواده کردهایی که حمایت مالی می‌کنیم ندارند» (کد ۳، ۳۵ ساله با ۸ سال سابقه فعالیت مدنی).

۵-۲. پیامدهای هویتی فعالیت در نهادهای مدنی

بخش پیشین به فهم شناسه‌ها و سطوح هویتی فعالان مدنی مربوط بود اما در بخش حاضر به دنبال این هستیم که فعالیت در نهادهای مدنی چه تأییراتی بر شناسه‌های هویتی و زندگی شخصی و اجتماعی کنشگران بر جای گذاشته است؟ به همین منظور، کدگذاری صورت گرفت و همزمان با آن، مقولات محوری نیز استخراج شد. از متون به دست آمده بالغ بر ۵۰ مفهوم حاصل شد که نهایتاً مفاهیمی که با یکدیگر ارتباط داشتند، با همدیگر ترکیب شدند و ۱۸ خرده‌مقوله و ۵ مقوله محوری به شرح زیر استخراج شد:

جدول شماره ۳. کدگذاری باز و محوری

مفاهیم	خرده‌مقوله‌ها	مقوله‌های محوری
حفظ اصالت خود، رشد آگاهی فرهنگی دزمنینه فرهنگ کردی، تأثیرگذاری فعالیت‌های قومی، افتخار به فرهنگ کردی، مهم‌بودن پیشرفت کرد، تلاش برای ترویج فرهنگ خودی، سمن مجرای برای حفظ اصالت و فرهنگ بومی، حفظ اصالت قومی، کردها الگوی جوانمردی مرام و معرفت	آگاهی قومی، تعلق قومی، وفاداری قومی، بازنمایی فرهنگ و هویت کردی در برنامه‌های سمن	بازنمایی هویت کردی در گستره ملی و بین‌المللی
نقص قوانین، اجرای دلخواهی و سلیقه‌ای قوانین، احساس محرومیت اجتماعی، ضعف حقوق اجتماعی، زوال حس ایرانی، مورد ظلم واقع شدن، عدم رعایت حقوق شهروندی، تبعیض سیاسی و مذهبی	تبعیض قومی و مذهبی، زوال شهروندی، اجرای سلیقه‌ای قوانین	احساس تبعیض، عینی شدن فشار ساختاری، اختلال در شناسایی و شهروندی
همزیستی با سایر اقوام، همدلی با سایر اقوام، برابری حقوق افراد، انسان‌گرایی، مذهب و قومیت عامل دور ساختن انسان‌ها از هم، بازتر شدن دید، سندج فقط مال ما نیست، تغییر نگاه بدبینانه، کم‌رنگ شدن تعصبات، حضور سایر اقوام به شرط از بین نرفتن فرهنگ شهر سندج، اندیشه جهان‌وطنی	همزیستی مسالمت‌آمیز، همدلی بین فرهنگی، احترام بین فرهنگی، انسان‌گرایی	مدارا و پذیرش بین قومی
پارتی‌بازی و خویشاوندگرایی، دید منفی به نظامی‌ها، گرفتن فرصت‌های شغلی و کاری مردمان این منطقه، دلسوز نبودن نیروهای غیربومی، اشتغال غیربومی‌ها در کردستان، بیکاری مردمان استان، ارجحیت فارس‌ها و ترک‌ها بر کردها، برخورداری بیشتر فارس‌ها و ترک‌ها از امکانات	پارتی‌بازی، سیطره غیربومیان، دلسوز نبودن مدیران غیربومی	ناخرسندی از فرادستی اقوام غیربومی و فرودستی کردها
خودپنداره مثبت، اعتماد به نفس، فاصله گرفتن از بی‌تفاوتی، کسب تجربه، احساس اثربخشی، پیشرفت فردی، احساس مفید بودن، استفاده بهینه از توانایی‌ها، رضایت از خود، احساس موفقیت، افتخار به خود	اعتماد به نفس، رضایت درونی، احساس اثربخشی، باور به توانایی‌های فردی	خودباوری

۵-۲-۱. بازنمایی هويت کردی در گستره ملی و بین‌المللی

بنابر اظهارات مصاحبه‌شوندگان، حضور در سازمان‌های مردم‌نهاد، افتخار به هويت و فرهنگ کردی را تقویت نموده است. مصاحبه‌شوندگان کوشیده‌اند هويت کردی‌شان را به بهترین شیوه در سطح منطقه‌ای و ملی بازنمایی کنند و جایگاه فرهنگ و هويت کردی را برجسته نمایند. در پاسخ به این پرسش که «فعالیت مدنی چه تأثیری در شناساندن شما به‌عنوان یک کرد داشته است» مصاحبه‌شوندگان چنین اظهار نموده‌اند:

«آخرین کاری که انجام داده‌ام برگزاری جشن «سیاه چمانه» بوده و فکر می‌کردم همه چیز مال ما کردستانی‌هاست ولی وقتی جشنواره سیاه چمانه را برگزار کردیم فهمیدم که هه‌وره و سیاه چمانه مهدش ایلام است. بحث هه‌وره در تمام دنیا در کردستان است افتخار می‌کنم» (کد ۱، ۲۸ساله با ۱۲ سال سابقه فعالیت مدنی).

«قطعاً تأثیر مثبت داشته. تاریخ ملت کرد را می‌خوانم، آگاه می‌شوم و سمن این دید را به من داده که به کردبودن خودم افتخار کنم» (کد ۲، ۳۳ساله با ۱۰ سال سابقه فعالیت مدنی).

«در سطح ملی حضور داریم، اسم کردستان را بالا نگه می‌داریم و با افتخار می‌گوییم که از کردستان آمده‌ایم» (کد ۴، ۲۶ساله، با ۱۲ سال سابقه فعالیت مدنی).

«چراکه نه. جشنواره‌ای که برگزار کردیم، از ۱۳ کشور دعوتی داشتیم. چهار زبان کردی، انگلیسی، فارسی، و عرب» (کد ۵، ۴۳ساله با ۱۵ سال سابقه فعالیت مدنی).

۵-۲-۲. احساس تبعیض

هویت‌یابی، ماهیت رابطه‌ای دارد و در پیوند و مواجهه با دیگری صورت‌بندی می‌شود. گستره فعالیت در نهادهای مدنی امکان مقایسه بین‌فرهنگی و اجتماعی و منطقه‌ای را برای فعالان مدنی مهیا کرده و در این مقایسه‌ها سطح نازل شاخص‌های توسعه در مناطق کردنشین و مناطق محل سکونت فعالان مدنی، نوعی احساس نابرخورداری و احساس تبعیض را تشدید نموده است. در این میان نوعی بدبینی نسبت به اقوام برخوردار پدید آمده و دوگانه فرادست و فرودست متصلب شده است:

«حقیقت نه اصلاً برخوردار نیستیم. من نسبت به فارس می‌سنجم و اصلاً برخوردار نیستیم» (کد ۶، ۳۳ساله با ۱۰ سال سابقه فعالیت مدنی).

«مشکل، برخورداری از امکانات با سایر قومیت‌ها نیست. در شرایط فعلی بحران سرمایه‌گذاری در کردستان مربوط به زیرساخت‌ها مخصوصاً راه‌هاست. پرواز نداریم. راه‌آهن نداریم، سیستم حمل‌ونقل پیشرفته‌ای نداریم» (کد ۴، ۲۶ساله، با ۱۲ سال سابقه فعالیت مدنی).

۵-۲-۳. مدارا و پذیرش بین‌قومی

یکی از سؤالات مطرح‌شده در مصاحبه با فعالان مدنی این بود که «حضور در سمن‌ها بر برداشت و تصور شما نسبت به سایر اقوام چه تأثیری داشته است؟». در جواب‌ها و اظهارات فعالان مدنی، انسان‌گرایی و همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر اقوام و احساس همدلی، نمودی قابل‌توجه داشته است:

«رفیقی داشتیم که ترک بود که به اینجا آمده بود که خدمت کند. بحث اشغال جایگاه ما نیست مثلاً در آمریکا هم ملیت‌ها دارند در کنار هم زندگی می‌کنند. در هیچ جایی نوشته نشده که سنج‌ج فقط مال ما و شهر ماست» (کد ۱۱، ۴۵ساله با ۱۴ سال سابقه فعالیت مدنی).

نوع تصور و پنداشت کنشگران مدنی نسبت به سایر اقوام و اجتماعات ساکن در شهر سنج، شاخصی است که به‌میانجی آن می‌توان انسجام درون‌قومی، فاصله اجتماعی بین‌فرهنگی و قومی را سنجید. نکته قابل‌توجه در اظهارات همه مصاحبه‌شوندگان، نگاه مثبت و دربرگیرنده نسبت به سایر اقوام در سنج بود.

از دیرباز به‌دلایل سیاسی و اداری، سنج شهری مهاجرپذیر بوده است. سنجی‌ها نگاهی مثبت و مساعد نسبت به سایر اقوام بالأخص فارس‌ها داشته و در شناسه‌های فرهنگی به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای متأثر از فارس‌ها بوده‌اند. نوعی مسالمت بین‌فرهنگی در این شهر مشهود است و در فعالان مدنی نیز این نگاه دربرگیرنده بازنمایی شده است؛ فلذا، فاصله بین‌قومی چندان نمودی در این شهر و در نزد فعالان مدنی ندارد.

«مردم به دیده منت پذیرای آنها شده‌اند. دید خوبی نسبت به آنها داشته‌ایم و آنها را دفع نکرده‌ایم و با آنها خوب بوده‌ایم» (کد ۱۲، ۴۷ساله با ۱۵ سال سابقه فعالیت مدنی).

واقعیت آن است که حضور در سمن‌ها، در تعدیل تعصبات قومی اثرگذار بوده است. به‌زعم آمارتیا سن، پرهیز از هویت تکواری فرهنگی و انزوای فرقه‌ای با حضور افراد در انجمن‌ها که دارای رده‌ها یا مقولات متنوعی‌اند میسر می‌شود که در آن افراد متعلق به هویت کثرت‌گرا به‌سبب آشنایی و ارتباط و ترغیب شناختی جامعه‌پذیری، به هم پیوند می‌خورند و مدارا در سطح اجتماعی تقویت می‌شود. این توانایی‌ها و دانایی‌ها برای انسان امروزی مزایایی دارد که به او در کسب جایگاه‌های بالاتر اجتماعی در جامعه یاری می‌رساند. با تبادل اطلاعات، دگم‌اندیشی رنگ می‌بازد و در مواجهه با تقاضاهای فرهنگی، چهره واقع‌بینانه و منعطف به خود می‌گیرد؛ براین‌اساس، نهادهای مدنی در تقویت نسبی‌گرایی و نسبی‌اندیشی فرهنگی و گذار از هویت‌های تکواری به هویت‌های چندگانه نقش‌آفرینی می‌نمایند (۱۳۹۵: ۲۱). کنشگران مدنی، در کنار هم‌بودن را تکمیل‌کننده پتانسیل همدیگر قلمداد می‌نمایند:

«قبل و بعدش زیاد تفاوتی نکرده، پخته‌تر شده‌ام و آگاهی‌های خودم بیشتر شده است. قوم‌های دیگر حق و حقوقی دارند، اینها کم‌رنگ‌تر شده و انسانیت جایگاه آن را پر کرده» (کد ۱۳، ۴۰ساله با ۱۵ سال سابقه فعالیت مدنی).

«حس خوبی نداشتم. مخالف بودم. عقیده داشتم هر کس باید در جایگاه خود باشد. الان مخالفت ندارم. تکمیل‌کننده پتانسیل همدیگر هستیم (ترک، فارس و...)» (کد ۱۴، ۲۸ساله با ۱۲ سال سابقه فعالیت مدنی).

«حس خوبی به آنها نداشتم. الان این جور نیست و الان احساس بدی به آنها ندارم بهشان عادت کرده‌ام» (کد ۶، ۳۳ساله با ۱۰ سال سابقه فعالیت مدنی).

«شاید قبلاً نوعی به اصطلاح قوم‌گرا برتر می‌دانستم تعصب داشتم. وارد سمن شدم دیدم بازتر شده الان هیچ تفاوتی بین آنها با کردهای خودمان قائل نیستم و همه را برابر تصور می‌کنم؛ مثلاً در مؤسسه خودمان چه خانواده فارس چه کرد هیچ تفاوتی از نظر کمک به آنها قائل نیستیم» (کد ۱۵، ۲۵ساله با ۱۰ سال سابقه فعالیت مدنی).

۵-۲-۴. ناخرسندی از فرادستی اقوام غیربومی و فرودستی کردها

مصاحبه‌شوندگان در عین پذیرش برابری و احترام و نگاه انسان‌گرایانه به سایر اقوام، و احساس نزدیکی و دوستی، از قرارگرفتن نیروهای غیربومی در مسند اداری و کاری و زائل‌گشتن فرصت‌های کاری از افراد بومی و عدم دلسوزی نیروهای غیربومی در مسندهای اداری ناخرسندند. با قرارگرفتن اقوام و اجتماعات غیربومی ساکن در سنندج در مسندهای اداری و اجرایی، به نوعی فرصت دسترسی به منابع کمیاب (قدرت، ثروت و منزلت) برای ساکنان این شهر محدود و نازل گشته است؛ از این رو، به دلیل محدود شدن گردش نخبگان، نوعی تردید و بدبینی در نزد فعالان مدنی نسبت به مدیران غیربومی پدیدار شده است. مصاحبه‌شوندگان به اولویت استخدام و کار برای سنندجی‌ها قائل‌اند تا سایر اقوام، و بنابر اظهاراتشان نوعی تبعیض در بین بومی‌ها و غیربومی‌ها وجود دارد. آنها بر این باورند که بومی‌ها اکثراً بیکار و استخدامشان بسیار دشوار است:

«دوست نداشتم اینجا بیایند، چون خودمان آن قدر توانا هستیم و رئیس و مدیر داریم که دیگران بیایند ما را اداره کنند. استاندار از خودمان نیست. اگر دلسوزانه به فکر باشد و کار ما را انجام دهد مشکلی ندارد» (کد ۷، ۳۵ساله با ۶ سال سابقه فعالیت مدنی).

«برای همه آنها احترام قائل هستیم ولی بعضی وقت‌ها سوءاستفاده‌هایی را می‌بینی. اکثر افراد غیربومی، شاغل در این شهر هستند ولی نزدیکان و همشهریان ما بیکار هستند. بدبین می‌شویم نسبت به دولت؛ مثلاً در شهر سنندج اهل تشیع که اقلیت هستند حسینیه و مسجد داریم اما در تهران نه» (کد ۲، ۳۳ساله با ۱۰ سال سابقه فعالیت مدنی).

«افراد غیربومی دلیل آمدن آنها به شهر ما چیه؟ ۹۰ درصد آنها مسائل اداری و کاری است. وقتی جوانان همشهری خودم را می‌بینم که تعداد زیادی از آنها بیکار هستند و غیربومی‌ها در شهر ما شاغل هستند احساس خوبی بهشان ندارم» (کد ۱۶، ۳۳، ۱۵ ساله با ۱۵ سال سابقه فعالیت).

«هیچ آگاهی نداشتیم. الان تغییر کرده، همه باید حق و حقوق مساوی داشته باشیم. همه ما انسان هستیم و هیچ تفاوتی نباید باشد. این دید را به من داده در کنارش این دید را به من می‌دهد که اگر استخدامی امتیازی هست باید اولویت ما باشیم ولی عملاً برعکس اولویت با غیربومیان است» (کد ۱۰، ۲۹ ساله با ۸ سال سابقه فعالیت مدنی).

۵-۲-۵. خودباوری

یکی از سؤالات اصلی در خصوص پیامدهای فردی فعالیت مدنی این بود: «حالا که چند سال است در این سمن فعالیت می‌کنید فکر می‌کنید فعالیت در این سمن چه تأثیری بر تصور و برداشت شما نسبت به خودتان و قابلیت‌هایتان داشته است؟». مصاحبه‌شوندگان در جواب، به احساس آرامش و احساس رضایت درونی، تقویت اعتماد به نفس، انسانیت، نگرش مثبت و خودباوری، تجربه فردی بیشتر، دوری از تندروی و تعدیل دیدگاه‌ها، قدرت مطالبه‌گری، احساس همدلی و گذشت و نگرش خوب نسبت به خود اشاره کرده‌اند. مفاهیم مذکور، نشان از آن دارد که فعالیت در سمن‌ها در تقویت خودباوری، مثبت‌شدن خودپنداره و اتکا به خود در نزد کنشگران مدنی مؤثر بوده است. درواقع، فعالیت در نهادهای مدنی موجب شده است هویت فردی و من فاعلی که ناظر بر وجه خلاق و مطالبه‌گر و تمایزبخش از خود و هویت فرد است، نمودی قابل توجه پیدا کند:

«از خودم راضی هستم و احساس می‌کنم می‌توانم بیشتر فعال باشم و بتوانم آن را دارم» (کد ۱۵، ۳۵ ساله با ۱۰ سال سابقه فعالیت مدنی).

«تنها می‌توانم به خودم ببالم و به خودم بگم دست‌م‌ریزد- هیچ‌کس به جز خدا کمکم نکرده. تا اونجایی که توانسته‌ام برای جامعه مفید بوده‌ام و به خودم افتخار می‌کنم. نمی‌دانم، یا خودش یافته‌ام یا هر چیزی. به خودم افتخار می‌کنم» (کد ۱، ۲۸ ساله با ۱۲ سال سابقه فعالیت مدنی).

«من به نظر خودم انسان فوق‌العاده‌ای هستم، چون در مقابل هم‌سن‌وسال‌های خودم خیلی موفق هستم. من از صفر شروع کرده‌ام و نسبت به یک بچه پولدار بیشتر سفر رفته‌ام. و به خاطر فعالیت در این سمن با آدم‌های بیشتری در دنیا ارتباط داشته‌ام، و مغرور هم نیستم و دوست دارم توانایی‌هایم را به شهر و جامعه خودم انتقال دهم» (کد ۱۸، ۳۰ ساله با ۷ سال سابقه فعالیت مدنی).

۵-۳. کدگذاری گزینشی

بعد از کدگذاری باز و محوری، کدگذاری گزینشی انجام می‌گیرد که طی آن تمام مقولات به‌مثابه شاخ و برگ‌های یک درخت، به تنه اصلی (مقوله هسته) مرتبط می‌شوند. فرایند سه‌گانه کدگذاری، حرکت از داده‌های خام به سمت مقولات انتزاعی است؛ هرچه به سمت مقوله هسته برویم، سطح انتزاع بالاتر است. با توجه به مقوله‌های محوری استخراج‌شده و هم‌پوشانی فضای مفهومی این مقوله‌ها با یکدیگر تلاش شده است مقوله هسته استخراج‌شده، تا حد ممکن جامع باشد، به‌نحوی که پرسش از مقوله هسته را بتوان با مقولات محوری پاسخ داد و بالعکس. مقوله هسته ظهوریافته «تجربه فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد به‌مثابه هویت بازاندیشانه» است.

از ۱۰ مقوله محوری حاصل از یافته‌ها، چهار مقوله محوری عمده (هویت فردی، خود اجتماعی، هویت مقاومت و عام‌گرایی هویتی) استخراج شد که بر اقتضایی و چندلایه‌بودن هویت و هویت بازاندیشانه به‌میانجی تجربه حضور در سازمان‌های مردم‌نهاد دلالت دارد. درنهایت، مقوله هسته «هویت بازاندیشانه به‌میانجی فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد» استخراج شد، به‌نحوی که با ارجاع به آن می‌توان مسیر رویدندش را از دل مقولات و مفاهیم و نقل‌قول‌ها مشاهده کرد.

برمبنای داده‌های حاصل از مصاحبه، سازمان‌های مردم‌نهاد، به‌سان منبع در دسترس‌اند که فعالان مدنی به‌میانجی آنها به تأمل، بازتعریف و بازسازی مناسبات اجتماعی و هویت فردی و جمعی خود پرداخته‌اند. در نزد فعالان مدنی، افتخار و احساس تعلق به شناسه‌های هویت‌گرددی، به معنای طرد و نادیده‌گرفتن سایر فرهنگ‌ها و هویت‌های قومی ساکن در ایران و میدان مورد مطالعه نیست. تکوین هویت فردی در نزد فعالان مدنی، در تقابل با هویت‌های جمعی تعریف نمی‌شود؛ بنابراین، «خود» فعالان مدنی، «خود» بریده از اجتماع نیست، بلکه در پیوند با اجتماع تعریف می‌شود؛ درعین‌حال، یک «خود اجتماعی» منفعل و مطیع و تابع نیست و ماهیت تأملی و بازاندیشانه و روبه‌جلو و متعهد به تغییر اجتماعی دارد. هویت جمعی در پیوند با دیگران تکوین و تغییر می‌یابد.

برمبنای مصاحبه‌های صورت‌پذیرفته، در لایه‌های هویتی مصاحبه‌شوندگان، هم هویت‌های اولیه و اسمی نظیر هویت‌گرددی دیده می‌شود و هم هویت‌های ثانویه و مدنی و عام؛ بنابراین، در نظام ترجیحات فعالان مدنی هویت‌گرددی، هویت شهروندی، و هویت جهان‌وطنی با تأکید بر هویت هم‌نوع، نمودی قابل توجه دارد. در این ترجیحات و سلسله‌مراتب هویتی، تقابل هویتی دیده نمی‌شود و به فراخور شرایط، ابعاد و سطوحی از هویت نمود پیدا می‌کند و برجسته می‌شود؛ براین‌اساس، خود فردی و اجتماعی فعالان مدنی، ماهیت سیال، اقتضایی و چندلایه دارد. صفات و مشخصاتی که فعالان مدنی برای معرفی و شناساندن خود به دیگران به کار می‌گیرند، ماهیت اقتضایی دارد و به‌فراخور شرایط اجتماعی، ابعادی از شناسه‌های هویتی و سطوحی از هویت جمعی افراد برجسته می‌شود و این مسئله، نشان از چندلایه‌بودن

هویت جمعی فعالان مدنی و متکثرشدن شناسه‌های هویتی دارد. «هویت جمعی در دنیای معاصر ماهیتی متکثر، چندبعدی، تلفیقی و پیوندی دارد و متأثر از گستره تعاملات اجتماعی، مرزهای هویتی قبض و بسط می‌یابد؛ فرد هم‌زمان می‌تواند هویت‌های عدیده‌ای داشته باشد و وجود آنها در کنار یکدیگر به منزله نفی و نقض دیگری نیست؛ این هویت‌ها در تعامل با یکدیگر قرار دارند و بسته به شرایط و موقعیت‌های اجتماعی مختلف، سطحی از هویت جمعی شکل غالب به خود گرفته و فرد براساس آن خود را به دیگران معرفی نموده و در قبال آن احساس تعهد و تعلق می‌کند و این مسئله به معنی نفی و نادیده‌انگاشتن دیگر هویت‌های جمعی فرد نیست (تایلور و اسپنسر، ۲۰۰۴: ۴).

۶. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر، مؤید ادبیات نظری و تجربی مرتبط با گذار از هویت‌های تک‌واره به هویت چندگانه و هویت بازاندیشانه به‌میانجی نهادهای مدنی است. پیتر برگر در بیان مشخصه‌های هویت مدرن، به چهار مشخصه «بازبودگی»، «تفکیک‌شدگی»، «بازاندیشانه‌بودن» و «فردیت‌یافتگی» اشاره کرده است. مشخصه «بازبودگی»، ناظر بر ناتمام‌ماندن خود فردی و اجتماعی و امکان تغییرات هویتی در زندگی فردی، آگاهی ذهنی و آمادگی برای پذیرش چنین تغییراتی است.

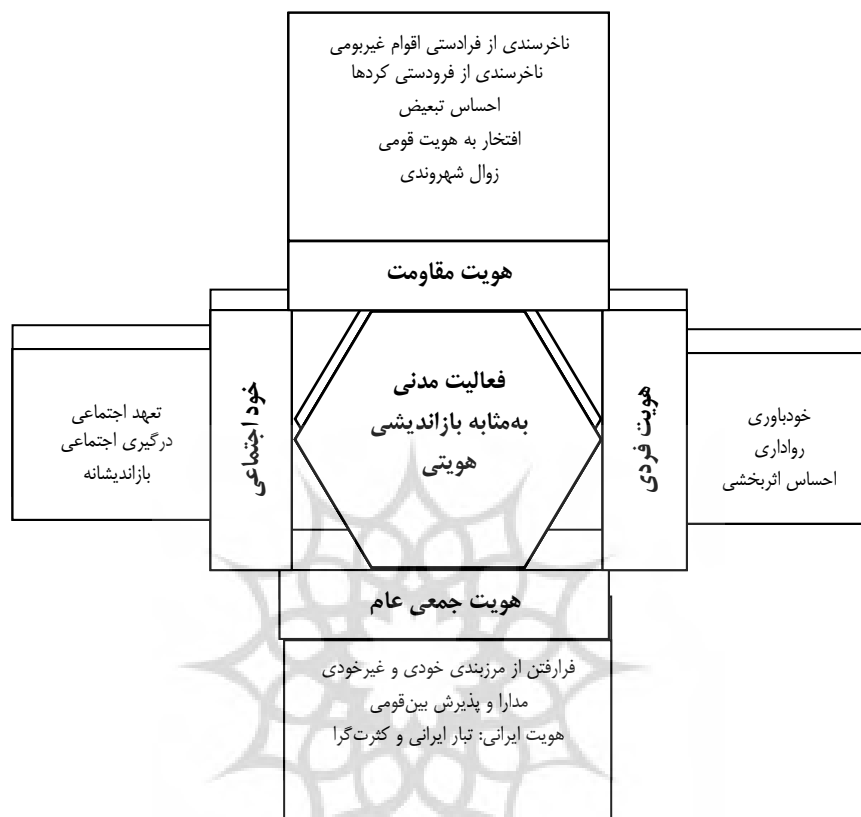
تجربه حضور و مشارکت در نهادهای مدنی برای فعالان مدنی به‌مثابه یک «امکان»، جرح و تعدیل در نظام معنایی و شناسه‌های هویتی را در پی داشته است. فعالیت در نهادهای مدنی برای کنشگران این عرصه آرامش درونی و احساس ارزشمندی به ارمغان آورده است. مقوله‌هایی همچون «تجربه‌آموزی، دگردیسی نظام معنایی، آشنایابی از امور آشنا، رواداری و پذیرش تفاوت‌ها، همزیستی مسالمت‌آمیز بین فرهنگی و مدارای بین فرهنگی، و فرارفتن از مرزبندی‌های خودی و غیرخودی»، ناظر بر «بازبودگی» در شناسه‌های هویتی است که به‌میانجی فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد امکان آن فراهم آمده است.

«تفکیک‌شدگی»، ناظر بر چندگانگی جهان‌های اجتماعی و کثرت جهان‌های اجتماعی است. به‌یمن مشارکت در نهادهای مدنی و برقراری پیوند با سمن‌های مختلف و ارتباط با بخش‌های نهادی و رسمی، جهان اجتماعی فعالان مدنی متنوع شده است. پاتنام، از چندگانگی جهان‌های اجتماعی تحت عنوان سرمایه اجتماعی اتصالی یاد می‌کند؛ «سرمایه‌ای که ماهیت پیوندی دارد و مرزبندی‌های هویتی را سیال، انعطاف‌پذیر و اقتضایی می‌کند و آثار بیرونی و اجتماعی فزاینده‌ای دربردارد» (پاتنام، ۱۳۸۴: ۲۹۶).

نکته‌ای قابل توجه که در اظهارات مصاحبه‌شوندگان نیز نمود دارد این است که چندگانگی جهان‌های اجتماعی فعالان مدنی، به نسبی‌شدن جهان‌های اجتماعی مدد رسانده است؛ از همین رو، هویت قومی، هویت جمعی عام، هویت ایرانی، شهروندی، و هویت جهان‌وطنی لایه‌های هویتی کنشگران مدنی را تشکیل داده است و این مسئله، نشان از چندگانه‌شدن هویت جمعی و گذار از هویت‌های تک‌واره دارد.

خود اجتماعی فعالان مدنی، خودی مسئولیت‌پذیر به لحاظ اجتماعی، قائل به درگیری و مداخله اجتماعی، خواهان مشارکت و عامل به همبستگی اجتماعی است. خود اجتماعی فعالان مدنی، به مدارا و پذیرش بین‌قومی قائل است و انسانی فراسرزمینی است که در خدمات‌دهی به ذی‌نفعان، خودش را در دایره تنگ خودی و غیرخودی محدود و محبوس نکرده است. درعین‌حال، خود اجتماعی فعالان مدنی، خودی منتقد است و از مسئولیت‌ناپذیری ساختار قدرت و فرودستی و اختلال در شناسایی کردها، بلوچ‌ها و عرب‌ها ناخرسند است. این وضعیت، به تکوین هويت مقاومت منجر شده است. چرخش به سوی نشانگان هويت کردی، تردید نسبت به شناسه‌های سیاسی هويت ملی، توصیف و تبیین توسعه‌نیافتگی میدان مردم‌مطالعه به میانجی مذهب و قومیت و تبلور آن در قالب هويت مقاومت، یادآور دستگاه نظری کاستلز است. به باور کاستلز، هويت مقاومت، شکل‌هایی از مقاومت جمعی را در برابر ظلم و ستم ایجاد می‌کند که در غیر این صورت تحمل‌ناپذیر بودند. هويت مقاومت غالباً از بطن احساس بیگانگی و احساس خشم علیه تبعیض ناعادلانه سیاسی یا اقتصادی یا اجتماعی برمی‌خیزد (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۸).

«بازبودگی» و «تفکیک‌شدگی» از منظر پیتز برگر، پیش‌درآمدی برای «بازاندیشانه‌بودن» هويت است. بر مبنای اظهارات مصاحبه‌شوندگان، حضور و مشارکت در نهادهای مدنی، امکان اندیشیدن و تأمل در مناسبات اجتماعی، آشنادایی از امر آشنا و آن چیزی را فراهم آورده است که از منظر عامه بدیهی و طبیعی تلقی می‌شود. فعالان مدنی، به بینش اجتماعی مجهز گشته‌اند و مسائل اجتماعی را به مختصات فردی افراد تقلیل نمی‌دهند؛ از این‌روست که تجربه و درکشان از فعالیت مدنی، کارگزاری تغییر اجتماعی و فرهنگی به مثابه یک اقدام رهایی‌بخش و جرئت نقد داشته‌های فرهنگی و اجتماعی است. از نظر برگر، جنبه اندیشنده (بازاندیشانه) هويت مدرن، فقط به جهان بیرونی محدود نمی‌شود، بلکه ذهنیت فرد به‌ویژه موقعیت وجودی‌اش را نیز در برمی‌گیرد (برگر و دیگران، ۱۳۸۱: ۸۷-۸۶). این مسئله ناظر بر آخرین ویژگی هويت مدرن یعنی «فردیت‌یافتگی» است. فعالیت مدنی برای فعالان مدنی، تجارب و معانی اجتماعی متنوع را در پی داشته است. مقوله‌هایی همچون «رهایی از روزمرگی و معنابخشی به زندگی، خودباوری، تجربه زیسته و تغییرپذیری»، ناظر بر تکوین هويت فردی در نزد فعالان مدنی است. یافته‌های مطالعه پیمایشی قانعی راد و حسینی (۱۳۸۴) گویای آن است که ارزش‌های فرامادی (جستجوی هويت و معنا، ارزش‌های خودشکوفایی و تحقق خود) در جوانان، در تقویت سرمایه اجتماعی و مشارکت جوانان در سازمان‌های غیردولتی سهمی بسزا دارد.



مدل نظری نهایی: فعالیت مدنی به مثابه بازانديشي هویتی

منابع

- احمدی، سیروس و همکاران (۱۳۹۳). بررسی رابطه هویت دینی و سرمایه اجتماعی (مورد مطالعه: مردم شهر کاشان). *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۵، شماره ۴: ۱۶-۱.
- اخوان کاظمی، مسعود و همکاران (۱۳۹۶). سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی (مطالعه موردی استان کردستان پس از انقلاب اسلامی ایران). تهران: یار دانش.
- ادیبی، مهدی و همکاران (۱۳۸۷). جهانی‌شدن اجتماعی جوانان شهر اصفهان. *مطالعات ملی*، سال ۹، شماره ۳: ۱۱۸-۱۰۰.
- استراوس، آنسلم و کوربین، ژولیت (۱۳۸۵). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و روش‌ها*. ترجمه: بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افراسیابی، حسین و خرم‌پور، یاسین (۱۳۹۴). مطالعه بازانديشي اجتماعی در میان جوانان شهر یزد. *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۶، شماره ۳: ۳۸-۲۳.

- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸). *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمانی جاجرمی، حسین و همکاران (۱۳۹۱). بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه اجتماعی. فصلنامه تعاون و روستا، سال ۳، شماره ۱: ۱۵۴-۱۲۳.
- باستانی، سوسن و صالحی، مریم (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران. *مطالعات جامعه‌شناختی*، شمار ۳۰: ۹۵-۶۳.
- برگر، ل. پیتر و همکاران (۱۳۸۱). *نوسازی و آگاهی: ذهن بی‌خانمان*. ترجمه: محمد ساروجی. تهران: نی.
- بوستانی، داریوش (۱۳۹۰). جوانان و هويت بازاندیشانه؛ مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان. *مطالعات اجتماعی ایران*، سال ۵، شماره ۱: ۲۲-۳.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۴). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*. ترجمه: محمدتقی دلفروز. تهران: جامعه‌شناسان.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). *هویت اجتماعی*. ترجمه: تورج یاراحمدی. تهران: شیرازه.
- حسینی، ابراهیم و جلالی‌پور، حمیدرضا (۱۳۹۱). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی برون‌گروهی با هويت ملی جوانان (بررسی موردی: دانشجویان و غیردانشجویان اقوام ترک و کرد). *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، دوره ۲، شماره ۳: ۲۹۹-۲۲۲.
- ذکایی، محمدسعید و خطیبی، فائزه (۱۳۸۵). رابطه حضور در فضای مجازی و هويت مدرن پژوهشی در بین کاربران اینترنتی جوان ایرانی. *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۳: ۱۵۳-۱۱۱.
- رستگار خالد، امیر و همکاران (۱۳۹۵). رابطه سرمایه اجتماعی و هويت ملی در شهرهای کرمانشاه و جوانرود. *مطالعات ملی*، دوره ۱۷، شماره ۱ (پیاپی ۶۵): ۱۴۴-۱۳۳.
- رسول‌زاده اقدم، صمد و همکاران (۱۳۹۵). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی با هويت بازاندیشانه (مورد مطالعه: دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان). *توسعه اجتماعی*، سال ۱۱، شماره ۲: ۱۲۲-۹۵.
- زارعی متین، حسن و قنبری، علی‌اکبر (۱۳۸۴). بررسی رابطه هوش عاطفی و سرمایه اجتماعی در تشکل‌های مردم‌نهاد. *مدیریت سرمایه اجتماعی*، دوره ۲: ۲۲-۱.
- سن، آمارتیا (۱۳۹۵). *هویت و خشونت*. ترجمه: فریدون مجلسی. تهران: پایان.
- سیدمن، استیون (۱۳۸۶). *کشاکیش آرا در جامعه‌شناسی*. ترجمه: هادی جلیلی. تهران: نی.
- شالچی، سعید (۱۳۸۴). *هویت بازاندیشانه؛ بررسی شکل‌گیری هويت بازاندیشانه و ارتباط آن با رسانه‌ها*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- شبانی، ملیحه و احمدپور، خسرو (۱۳۹۶). رابطه بین سرمایه اجتماعی و هويت اجتماعی بین شهروندان رشت. *رفاه اجتماعی*، پیاپی ۶۶: ۲۹۰-۲۵۵.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۴). *توسعه اجتماعی*. فرایند مدیریت و توسعه، شماره ۲: ۲۱-۱۴.
- عبداللهی، محمد و قادرزاده، امید (۱۳۸۳). *فاصله قومی و عوامل مؤثر بر آن در ایران*. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳: ۲۳-۱.

- عدلی‌پور، صمد و همکاران (۱۳۹۲). شبکه اجتماعی فیس‌بوک و شکل‌گیری هویت بازانديشانه در بين دانشجويان دانشگاه تبريز. *پژوهش‌های ارتباطی*، دوره ۲۰، شماره ۷۵ (پیاپی ۳): ۱۰۱-۱۲۸.
- غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی مشارکت*. تهران: نزدیک.
- فرهنگ، مهناز و کریمی نجرمویی، یزدان (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین فناوری‌های نوین ارتباطی و بازانديشی هویت دینی جوانان شهر تهران. *توسعه اجتماعی*، سال ۱۲، شماره ۱: ۸۰-۵۹.
- فلیک، اوه (۱۳۸۸). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه: هادی جلیلی. تهران: نی.
- قادرزاده، امید و محمدزاده، حسین (۱۳۹۷). مطالعه پیمایشی هویت‌طلبی قومی و سیاسی شدن قومیت‌گردهای ایران. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، شماره پیاپی ۲۰، شماره ۱: ۱۹-۴۲.
- قادرزاده، امید و عبدالله‌زاده، خالد (۱۳۹۱). حساسیت بین‌فرهنگی در اجتماعات قومی در ایران: مورد مطالعه اقوام ترک و کرد در شهر قروه. *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره پیاپی ۲۰، شماره ۱: ۱۵۶-۱۲۱.
- قاسمی، یارمحمد و جمال‌وندی، رضا (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و هویت ملی در بین دانشجويان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام. *فرهنگ ایلام*، شماره‌های ۳۷ و ۳۶: ۴-۲۶.
- قانع‌راد، محمدمین و حسینی، فریده (۱۳۸۴). ارزش‌ها، شبکه روابط و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی (مطالعه تجربی در بین جوانان تهران). *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۶، شماره ۳: ۹۷-۱۲۳.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات، قدرت هویت*. ترجمه: حسن چاوشیان. تهران: طرح نو.
- کرسول، جان دلبیو (۱۳۹۴). *طرح پژوهش (رویکردهای کمی، کیفی و شیوه ترکیبی)*. ترجمه: حسن دانایی‌فرد و علی صالحی. تهران: نشر مهربان.
- کوهن، پرسا (۱۳۸۱). *نظریه اجتماعی نوین*. ترجمه: یوسف نراقی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کیویستو، پیتر (۱۳۸۸). *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*. ترجمه: منوچهر صبوری کاشانی. تهران: نشر نی.
- گنجی، محمد و همکاران (۱۳۸۹). رابطه هویت دینی و سرمایه اجتماعی در بین مردم کاشان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۱، شماره ۴: ۱۴۴-۱۲۳.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیت*. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). *تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)*. ترجمه: ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). *صدرش (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- محمدی، بیوک (۱۳۸۷). *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- موسوی، محمدطاهر (۱۳۹۱). *درآمدی بر مشارکت اجتماعی*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- میرفردی، اصغر و ولی‌نژاد، عبدالله (۱۳۹۷). تحلیل جامعه‌شناختی - راهبردی ارتباط بین هویت ملی و سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه کرج. *مدیریت سرمایه اجتماعی*، سال ۵، شماره ۱: ۶۷-۹۰.
- وحید، فریدون و همکاران (۱۳۸۳). رابطه سرمایه اجتماعی با هویت اجتماعی دانشجویان. *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)*، دوره ۱۷، شماره ۲: ۵۹-۹۲.

- هيفی، برايان (۱۳۹۶). مدرنیته متأخر و تغییر اجتماعی (بازسازی زندگی فردی و اجتماعی). ترجمه: یعقوب احمدی و پرویز سبحانی. تهران: کویبر
- Alexander, J. (2001). The Binary Discourse of Civil Society. In Seidman, S & Alexander, j (eds) *The New Social Theory Reader*, London: Sage.
 - Burkitt, I. (1991). *Social Selevs: Theories of The Social Formation of Personality*, London: Sage.
 - Calhoun, C. (1996). *Social Identity and The Politics of Identity*, USA: Black Publishers Inc.
 - Chen, L., Ye, M., Wu, Y (2020). Shaping Identity: Older Adults' Perceived Community Volunteering Experiences in Shanghai. *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, Article first published online: March 16, 2020: <https://doi.org/10.1177/0899764020911205>.
 - Mead, G. H. (1934). *Mind, Self and Society*. Chicago: University of Chicago Press.
 - Tajfel, H. and Turner, J. C. (1986). The Social Identity Theory of Intergroup Behaviour . Worchel, S. and Austin, W. G. (eds) *Psychology of Intergroup Relations*, Chicago, IL: Nelson-Hall.
 - Spencer, S. B. (2010). Culture as Structure in Emerging Civic Organizations in Russia. *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 40 (6): 1073-1091.
 - Taylor, G and Spencer, S. (2004). *Social Identities*, London: Routledge.